

منزلت نیروهای مسلح ج.ا.ا. در آثار ادبی فارسی معاصر، پس از انقلاب اسلامی ایران*

دکتر محمد دانشگر

استادیار دانشگاه امام حسین(ع)

چکیده

نیروهای مسلح در هر جامعه از اهمیت، شأن، جایگاه، پایگاه و منزلتی ویژه برخوردارند و این امر به دلایل مختلف کاملاً طبیعی است. بازتاب و نمود گسترده و فراگیر این مسئله در آثار عمومی و بویژه ادبیات هر ملتی کم و بیش در معرض نگرش و افکار مخاطبان قرار گرفته است. ترسیم منزلت نیروهای مسلح ج.ا.ا. اعم از ارتش، سپاه و بسیج در آثار ادبی فارسی معاصر (شعر و ادبیات داستانی پس از انقلاب اسلامی) موضوع پژوهشی دامنه‌دار و مفصل قرار گرفت.

از مجموع آثار شعری و ادبیات داستانی که پس از انقلاب اسلامی به وجود آمده، داده‌های اصلی پژوهش، گردآوری، و با مبانی و اندیشه‌های چند نظریه در باب منزلت سنجیده، و نتیجه و خلاصه آن در این مقاله عرضه شده است. سابقه موضوع نیز از دیدگاه تنی چند از شاعران و سخنوران سترک ادب فارسی کلاسیک مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به بررسیها در پایان مقاله، پاسخ پرسشهای اولیه طرح پژوهشی آمده است.

کلید واژه‌ها: منزلت نیروهای مسلح ج.ا.ا.، شعر فارسی معاصر، ادبیات داستانی معاصر، ارتش، سپاه، بسیج.

*- این مقاله برگرفته از طرح تحقیقی گسترده‌ای است که به سفارش معاونت فرهنگی ستاد فرماندهی کل قوا انجام شده است.

مقدمه

یکی از مسائلی که ذهن و ضمیر و اندیشه انسانی را از آغاز حیات بشر به خود مشغول داشته، نزاع آدمیان و یا به تعبیری، جنگ و صلح بوده است. اینکه چه عواملی باعث این ستیزه می شده و یا می شود و آیا چنین وضعی در هر حال برای انسان مفید است یا خیر، مباحث دراز دامنی است که از حوصله این نوشتار بیرون است؛ اما آنچه بواقع رخ می نمایاند این است که دیر یا زود انسان، جوامع و سرانجام، حکومتها به این نتیجه رسیدند که باید هر چه زودتر نیرویی برای دفاع در مرحله اول و پس از آن، حمله به وجود آورند. شاید این سرآغاز تشکیل بساط گسترده نظامی در تاریخ حیات بشر بوده باشد. نیروها متناسب با وضع و امکانات هر زمان به وجود آمد. از آن زمان که انسان، پیاده و با سنگ می جنگید تا امروز که خود را به پیشرفته ترین، کشنده ترین و در عین حال، سریعترین سلاح مجهز کرده، راه درازی پیموده شده است.

گرچه امکان دارد یک، دو یا سه نسل در حالی زندگی را سپری کند که جنگ را از بامداد تا شامگاه حیات خود به چشم نبیند و آن را از نزدیک با پوست و گوشت و استخوانشان تجربه نکند، گاهی نیز عکس آن اتفاق می افتد. با توجه به از بین رفتن فاصله ها و در پیش چشم بودن همه حوادث روزمره جهانی، هر انسانی از نزدیک، صدای جنگ را در گوش خود احساس می کند و از آن مهمتر، آثار و پیامد آن را کاملاً به چشم می بیند و آن را تجربه و دریافت و درک می کند.

اینجاست که مسئله دیگری رخ می نماید و اهمیت خود را نشان می دهد؛ هدف. آری، هدف است که به این جنگ و ستیزه و یا دفاع، معنا و مفهومی کاملاً زنده می بخشد و آن را از جنسی دیگر می سازد. اکنون دیگر نیروهای مسلح به عنوان

حامی حکومت و مردم، نقش اصلی در جهت بقای زندگی بشر به عهده دارد و وجود آن، همبستگی، اعتلا و پیشرفت و نیرو و توان حکومت را به دنبال خواهد آورد؛ از جمله موارد کارسازی که در این مرحله می‌تواند گرهگشایی کند، پایگاه، اعتبار، شأن، موقعیت و ارزش اجتماعی است که هر ملتی برای نیروی مسلح خود درمی‌یابد و آن را می‌بیند و دریافت می‌کند که معمولاً از آن به منزلت اجتماعی تعبیر می‌شود.

منزلت اجتماعی نیروهای مسلح همچون آئینه شفاف است که هر انسانی، آمال و آرزوهای دست‌نیافتنی خود را در پرتو آن می‌بیند و به سوی آن گام برمی‌دارد و زندگی خود را با آن معنا و مفهوم می‌بخشد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، همواره به نیروهای مسلح به گونه‌ترین وجهی پرداخته شده است بویژه اینکه هنوز چند صباحی از برآمدن این نهال نوپا و برومند نگذشته بود که دشمنی‌های پنهان و آشکار، چنگ و دندان نمود و چهره نظام را هدف قرار داد.

تحمیل جنگی طولانی و دراز مدت ابتدا در طول صدها کیلومتر مرز خاکی و آبی با کشور عراق و پس از آن به فراخنای تمام شهرها و روستاهای گسترده این مرزوبوم، پیر و جوان، خرد و کلان، زن و مرد، دانشمند و بیسواد، شهری و روستایی و در یک کلام حتی موافق و مخالف نظام را به میدان آورد و با بسیج امکانات خود، صفحاتی را در تاریخ خود رقم زد و نگاره‌ها و تصویرهایی را نقش زد که هرگز نه تنها از لوح و ضمیر ایرانیان مسلمان و آزاده، که از دفتر تاریخ معاصر محو و فراموش نخواهد شد. این در حالی است که این نیروی مسلح در جنبه غیر مردمی‌اش در دوره حکومت طاغوت، سابقه و پیشینه‌ای خاص با داوری و قضاوتی ویژه دارد.

فرصتهای گونه گون رخداده پس از انقلاب به افزوده شدن سپاه پاسداران و بسیج مردمی به جمع این نیرو کمک کرد که اکنون نیروهای مسلح را وجهه ای کاملاً مردمی بخشیده و اعتبار و شأن و موقعیت آن را از چهره ای دیگر فرادید همگان آورده است.

در این مقاله بر آنیم تا به صورتی اجمالی و گذرا این نکته را یادآور شویم که این منزلت و حرمت نیروهای مسلح در چشم دیگران در آثار ادبی معاصر - شعر و نثر - چگونه مطرح شده و ثانیاً ترسیم آن چه آثار و پیامدهایی به دنبال داشته است.

تعریف مفاهیم

در این قسمت به تعاریف مختلف که به ادبیات موضوع مربوط است، پرداخته می شود.

پایگاه اجتماعی (Social status)

رالف لینتن، پایگاه اجتماعی را موقعیت خاصی در نظام اجتماعی می داند. در واقع در این تعریف، پایگاه به آن چیزی که فرد هست، اطلاق می شود (ملک، ۱۳۷۴: ۴).

در تعریفی دیگر، پایگاه اجتماعی ارزشی است که هر گروه برای نقش اجتماعی قائل است (و ثوقی، ۱۳۷۰: ۲۲۳).

پایگاه اجتماعی به عنوان مکان و موضوع هر شخص در هر گروه یا مکان و موضوع هر گروه در ارتباط با گروه های دیگر تعریف شده است. هر فرد در جامعه، نقشهای متفاوتی دارد؛ مانند پدر، دانش آموز، استاد و... در برابر هر نقش، وظایفی

نیز به عهده افراد واگذار شده است. در این راستا حقوق و امتیازاتی نیز به او داده می‌شود. تفاوت نقشها باعث می‌شود که افراد در جامعه، پایگاه‌های متفاوتی داشته باشند.

پایگاه، جایگاه هر فرد را در سلسله مراتب درون هر گروه بر اساس منزلت و امتیازات و تفاوت او با اعضای دیگر تعیین می‌کند (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۴۱۸). پایگاه اجتماعی را می‌توان مقام و موقعیتی دانست که شخص در ساختار اجتماعی به اعتبار ارزیابی جامعه احراز می‌کند (کوئن، بروس، ۱۶۱، نقل از نایینی، ۱۳۷۴: ۱۸).

پایگاه اجتماعی، توجه، اعتبار و ارزشی است که جامعه برای نقش اجتماعی فرد، گروه و طبقه اجتماعی قائل است. پایگاه اجتماعی در عین حال که معلول است، سبب و عامل گردهمایی و شکل‌پذیری و طبقات اجتماعی است. ارزشی که جامعه برای نقشهای اجتماعی قائل است از زمانی به زمان دیگر و از جایی به جای دیگر متفاوت و متنوع است و دگرگونی می‌پذیرد. از آنجا که ارزشها ثابت نمی‌ماند، پایگاه اجتماعی نیز ثابت دائمی ندارد. پایگاه اجتماعی با وضع و موقعیت افراد، گروه‌ها و طبقات در شرایط و روابط اجتماعی (اقتصادی، سیاسی و فرهنگی) ارتباط نزدیک دارد و مؤخر بر آن شرایط است (آراسته خو، ۱۳۷۰: ۲۰۸ و ۲۰۹).

پایگاه اجتماعی نشاندهنده اعتبار، ارزش، موقعیت و پرستیژ فرد یا شیء معینی است و با افکار عمومی پیوندهای بسیاری دارد. این پایگاه با نقش اجتماعی رابطه مسلمی دارد... پایگاه اجتماعی مبانی بسیار متفاوتی دارد؛ از جمله: مبانی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، علمی، ادبی و خانوادگی ... غالباً گفته می‌شود که قدرت اجتماعی یعنی نفوذی که فرد می‌تواند در ارتباط با دیگران به کار بندد و آن نشانه‌ای از پایگاه وی در جامعه است (محسنی، ۱۳۶۸: ۵۵۶ و ۵۵۷).

منزلت

ماخوذ از تازی، مرتبت و مقام و رتبه و حرمت و احترام (ناظم الاطبا) پایگاه، جایگاه، مکان، مرتبت، قدر، ارج، شأن، اعتبار، خطر، جاه، حرمت، بزرگی (دهخدا). اگر همه را توانگر گردانیدی، توانستی و لکن دو گروه از آن کرد تا منزلت و شرف بندگان پدید آید (قابوسنامه، ۱۳۷۱: ۱۵).

چو در قومی یکی بی دانشی کرد
نه که را منزلت ماند نه مه را
(سعدی به نقل از دهخدا)

منزلت: درجه، رتبه، مقام (معین، ۱۳۶۳).

المنزله: ج منازل {نزل} موضع النزول // الرتبه، يقال له منزله عند الامير و هو رفيع المنزله (المنجد الابدی).

ذیلاً نمونه هایی از متون ادبی نقل می شود که به چگونگی کاربرد این تعبیر و واژه کمک می کند:

بعضی از آن قوم که مرتبت پیشوایی و منزلت مقتدایی داشتند، پیش آمدند؛ انگشت خدمت بر زمین نهادند و بنده وار دست او را بوسه دادند (مرزبان نامه، ۱۳۶۳، ج دوم: ۳۹).

و فی الجملة هر که خواهد که منزلت خود پیش خدای بداند و بشناسد، باید که اول منزلت حق را پیش خود اعتبار کند و به مقدار آن منزلت خود را نزدیک او قیاس کند (مصباح الهدایه، ۱۳۶۷: ۹۳).

گر منزلتی دارم بر خاک درت میرم

باشد که گذر باشد یک روز بر این خاکت

(سعدی)

تا در تحصیل فضل و ادب همتی بلند نباشد ... این منزلت نتوان یافت (کلیله و دمنه، ۱۳۶۲، ج هفتم).

منزلت دادن: قدر بخشیدن، شأن و اعتبار دادن؛ منزلت داشتن: قدر و مقام داشتن، ارج داشتن، لیاقت داشتن؛ منزلت یافتن: دست یافتن به مقام، ارج و اعتبار یافتن؛ حامل منزلت: دون پایه، وضع، آن که در گمنامی به سربرد؛ عالی منزلت: بلندمقام، عالیمقام، بلند پایه، عالیقدر؛ کیوان منزلت: کنایه از بلندمقام، عالی منزلت؛ نازل منزلت: دون مرتبه، دون پایه، آن که در رتبی پست قرار دارد، معلانی دیگر: درجه و پایه، حد، مثابه، به منزلت، به مثابه، درحکم، به جای، نظم، تسلسل، سلسله، مراتب، سامان (دهخدا، همان).

منزلت: پایگاه و ارزش اجتماعی (صدری افشار و دیگران، ۱۳۷۷، ج سوم).

به نظر می رسد که در ابتدا معنای فردی و جمعی کلمه منزلت، مخلوط و غیر قابل تمییز بوده است اما با گذشت زمان و نیز بروز و ظهور اندیشه های جدید بویژه دیدگاه های اجتماعی، این واژه صرفاً در پایگاه و ارزش اجتماعی خلاصه شد؛ به عبارت فراگیرتر، قرار گرفتن فرد در جمع و نوع ارتباطات او با دیگران، جایگاهی برای او ترسیم می کند که او را از دیگران مشخص و جدا می سازد. در واقع این معنا کم کم فردگرایی و تنهایی را از مفهوم این واژه کاملاً بیرون آورده و آن را به مفهومی تبدیل کرده است که فقط و فقط همین جایگاه و پایگاه جمعی را برساند. در این صورت، دیگر شاخصهای جمعی می تواند بیانگر نوع و کیفیت مراتب باشد. در تعریفهایی که از این پس از واژه و اصطلاح و تعابیر مربوط به منزلت می آید، اگر خوب دقت و تأمل شود، مشاهده می گردد که نکته یادشده بروشنی و کاملاً آشکار و بارز و برجسته است.

با در نظر گرفتن آنچه به آن اشاره شد، مختصری به تعریف اصطلاحی منزلت پرداخته می شود:

از دیدگاه جامعه شناسی، این اصطلاح (منزلت) به عنوان رتبه، پایگاه و موقعیت اجتماعی اشخاص، گروه ها و سازمانها در مقایسه با یکدیگر به کار می رود (ساروخانی، ۱۳۷۰).

ملوین تامین، منزلت را ارزشی می داند که جمع (جامعه، گروه یا سازمان) برای نقش اجتماعی قائل است و یا مقام فرد یا گروه با توجه به توزیع شأن (حیثیت) در هر نظام اجتماعی را منزلت می نامد. تامین در جای دیگری، منزلت را وضع یا مرتبتی می داند که شخص به طور ذهنی، حفظ می کند و در نگهداری از آن در نظر دیگران سعی می کند (نیک گر: ۴۷ به نقل از نایینی، همان: ۸).

رفیع پور منزلت اجتماعی را نوعی ارزیابی می داند که بر پایه میارهای ارزش اجتماعی معتبر در جامعه از پایگاه اجتماعی هر شخص در ذهن دیگران به عمل می آید و نشان می دهد که پایگاه شخص نسبت به اشخاص و افراد دیگر در فضای اجتماعی کجاست (رفیع پور، همان: ۴۱۲).

منزلت اجتماعی (Social prestige)

برخی از اندیشمندان معادل اصطلاح Social prestige را آبروی اجتماعی، شأن اجتماعی، حیثیت اجتماعی و اعتبار اجتماعی دانسته اند.

منزلت را الزامات تغییرناپذیر در کسب موقعیتهای اجتماعی در نظام فشربندی اجتماعی نیز تعریف کرده اند (ملک، همان: ۸).

زیمل (۱۹۵۰) و گود (۱۹۷۸) منزلت را پدیده ای نسبی و مبتنی بر ارزش نهادن و

به رسمیت شناختن مدعی اشغال کننده پایگاه توسط جامعه؛ آیزنشتات (۱۹۶۸) منزلت را پاداش اجتماعی بنیادی و نهاد پایگاه فرد مورد نظر؛ گلد تروپ (۱۹۷۲) منزلت را شکلی از قدرت نمادین تعریف و توصیف کرده اند و مارشال (۱۹۶۴) بر این باور است که منزلت از پایگاه، غیررسمی تر و کمتر نهادی شده است. او منزلت را «پایگاه اجتماعی شخص» نامیده است و آن را از «پایگاه اجتماعی موقعیتی» متفاوت نمی داند (ملک، همان).

نقش اجتماعی ممکن است به عنوان پاسخ مشخصی در مقابل توقع یا انتظار خاصی تعریف شود (محسنی، همان: ۴۷۴).

نقش به معنای انتظاراتی تلقی می شود که شخص دارنده موقعیت و پایگاه اجتماعی باید آن را برآورده سازد (و ثوقی، همان: ۲۱۵).

تئوریهای منزلت شغلی

هانری مندراس

وی چهار متغیر شأن، کشش، میزان آزادی و دستمزد را به عنوان چهار ویژگی پایگاه. منزلت اجتماعی در مورد موقعیت شغلی گوناگون مورد بررسی قرار می دهد و به این نتیجه می رسد، هر چه کار انسان جالبتر و دارای کشش بیشتری باشد، شأن و منزلت اجتماعی و میزان آزادی عمل و هم چنین دستمزد آن از طریق جامعه بیشتر خواهد بود. نتایج تحقیقات او نشان می دهد که هر بار، فرد، کشش و جذابیتی در کار خود مشاهده کرده، شأن و آزادی و دستمزد او بیشتر شده است. هم چنین فردی که این احساس را داشته که کارش کشش لازم را ندارد به طور طبیعی دچار افت منزلتی گردیده است و به شغل او اهمیت کمتری داده اند. بنابراین جامعه برای این

موقعیت شغلی، دستمزد و پاداش کمتری قائل شده و به طور طبیعی شأن آن کاهش یافته است. وی می گوید در موقعیتهای متوسط اجتماعی بعضی می پذیرند که دستمزد نسبتاً کمتری داشته باشند تا از شأن و منزلت بالا و کار جالبتر و با پرستیژ بیشتری برخوردار باشند و یا بعضی برعکس، آزادی یا حقوق و دستمزد بیشتر را فدای شأن و منزلت اجتماعی می کنند (نایینی، همان: ۳ و ۸۲).

نظریه جنیکس

جنیکس طی تحقیقات خود نشان داده است که بین منزلت اجتماعی افراد با عوامل مختلفی از پیشینه خانوادگی، سطح تحصیلات، در آمد و استعداد، همبستگی وجود دارد ضمن اینکه تأثیر سطح تحصیلات بر منزلت شغلی را قویتر از سایر عوامل اعلان کرده است (نایینی، همان: ۸۳).

نظریه ویلبرت مور

مور در تحقیقات خود در مورد قشر بندی اجتماعی نشان می دهد که موقعیتهای شغلی که برای جامعه حیاتی تر و ضروری تر است، جامعه به آنها پاداشهای بیشتری از قبیل درآمد بیشتر، فراغت بیشتر و منزلت اجتماعی بالاتر تفویض می کند تا افراد شایسته و توانمند برای این مشاغل جذب گردند (کریمی، ۱۳۷۳: ۳۵۷ نقل از نایینی، همان: ۸۵).

هانری برگمن

برگمن در تحقیقات خود بر نیازهای بیولوژی انسان و جامعه به پدیده هایی امتیاز می دهد که در بیشترین حد بتواند نیاز های او را برآورده سازد؛ حتی اگر مهمترین ارزشهای یک فرهنگ با نیازهای بیولوژیکی انسان در تضاد باشد، دیر یا زود ارزش خود را از دست خواهد داد (رفیع پور، همان: ۴۷۰، نقل از نایینی، همان: ۸۳).

فرضیه‌ها و سؤالات اساسی تحقیق

براساس آنچه یاد شد، مهمترین سؤالات تحقیق از این قرار خواهد بود:

موقعیت هریک از نیروهای مسلح پس از انقلاب اسلامی در آثار ادبی فارسی چگونه است؟

نقش هر یک از نیروهای مسلح و هنجارهای آن پس از انقلاب در آثار ادبی چگونه ترسیم شده است؟

پایگاه منزلتی نیروهای مسلح پس از انقلاب اسلامی در آثار ادبی چگونه ابراز شده است؟

نیروهای مسلح در مقایسه باهم به لحاظ موقعیت، نقش و پایگاه منزلتی در آثار ادبی فارسی پس از انقلاب اسلامی چگونه عرضه شده است؟

پیشینه عام پژوهش و تحقیق

در زمینه بررسی شأن و منزلت و تعیین شاخصهای آن، هم به صورت عام و کلی و هم به طور خاص راجع به نیروهای نظامی، مطالعات و پژوهشهایی صورت گرفته است. چون دیدگاه و جهتگیری و رویکرد این پژوهش، خاص و ویژه است، طبعاً در قسمت ادبیات موضوع و مبانی نظری تحقیق از برخی پژوهشهای خارجی و داخلی بهره گیری شده است.

گفتنی است عموم پژوهشهای خارجی اصولاً با توجه به دیدگاه انسانشناسانه و یا نظریه های اجتماعی شکل گرفته است. در بخش مبانی نظری پژوهش به برخی از مهمترین این نظریه ها فهرستوار اشاراتی شده است؛ زیرا صرفاً با توجه به آن مبانی، کار پژوهش شکل می گیرد. در ضمن، پژوهشهای داخلی نیز عمدتاً در قالب چند

پایان نامه جلوه گر شده و منابع و کتابها در این زمینه معمولاً ترجمه و نگرشها نیز ترجمه ای است و لذا کمتر به مسائل بومی و داخلی توجه خاص و تمرکز مؤثر دارد. مشخصات برخی از مطالعات به این شرح است

*** مبانی تئوریک و متدلژیک شاخصهای سنجش پایگاه اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران به راهنمایی دکتر غلامعباس توسلی، ۱۳۷۴

محقق در این رساله، سه جهتگیری عمده نظریه های قشربندی و پایگاه اجتماعی را ارزیابی کرده و مبنای پژوهش خود را بر نظریه کارکردگرایی دیویس و مور قرار داده است.

*** بررسی عوامل مؤثر بر منزلت اجتماعی نیروهای مسلح از دیدگاه صاحب نظران نیروهای مسلح، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت امور دفاعی، به راهنمایی دکتر غلامحسین نیکوکار، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰

در این رساله، محقق پس از آوردن شمه ای از ادبیات و نوشته های تحقیق، عوامل منزلت نیروهای مسلح را به این شرح ردیف کرده است:

میزان درآمد و وضعیت معیشتی نظامیان

میزان احساس نیاز جامعه به نیروهای مسلح

میزان اقتدار نیروهای مسلح

عملکرد سیستم جذب و گزینش نیروهای مسلح

عملکرد سیستم آموزش و تربیت منابع انسانی

ماهیت شغل نظامیان و عوامل محدود کننده آن

عملکرد سیستم تبلیغات و اطلاع رسانی نیروهای مسلح
 نقش و کارکرد سیاسی نیروهای مسلح
 وضعیت بازنشستگان نیروهای مسلح
 میزان توجه به عوامل فرهنگی، معنوی در نیروهای مسلح

*** بررسی شاخصهای منزلت از دیدگاه کارکنان ناجا به سفارش گروه نیروی

انسانی و مدیریت مرکز تحقیقات و پژوهشهای ناجا، مجری: سید حسین عبداللہی

زاده، ۱۳۸۴

در این طرح، مجری با توجه به موضوع پژوهش به انتخاب پرسشنامه ای اقدام کرده و آن را در تحقیقی میدانی به معرض آزمون قرار داده و نتیجه آن را در اثر پژوهشی خود به طور مفصل مطرح ساخته است. بیش از هفتاد سؤال، مورد توجه مجری قرار گرفته که نتیجه پاسخها در پایان اثر درج گردیده است؛ از جمله در پاسخ پرسش ۶۹ چنین آمده است: به نظر کارکنان، برنامه ها، کارها و فعالیتهایی از قبیل افزایش حقوق و پرداخت اضافه کاریها، آموزش نیروها از لحاظ اخلاقی، اجتماعی، شغلی و... بر خورداری از امکانات معیشتی و رفاهی مناسب مانند مسکن، بیمه، اردوهای تفریحی و... رعایت عدالت و صداقت در برخورد با کارکنان و مردم، تنظیم برنامه های هدفدار در جهت تأمین امنیت و بالابردن منزلت اجتماعی ناجا، اطلاع رسانی و معرفی ناجا به مردم، سرمایه گذاری مادی و معنوی در مورد نیروهای خوب، کاردان و متدین به منظور ایجاد تحول و مدیریت بهتر باید انجام گیرد تا منزلت و شأن و رتبه اجتماعی موجود ناجا تثبیت شود و پایدار بماند.

پیشینه و سابقه این پژوهش

درباره پیشینه این پژوهش تا آنجا که محقق، فرصت و مجال بررسی و جستجو را یافت، تاکنون کاری با این مبانی و رویکرد انجام نشده است.

روش اجرا و شیوه تحقیق

وقتی از آثار ادبی یک دوره، سخن به میان می آید، طبیعتاً حجم قابل توجهی از آثار شعری و نثر، پیش چشم می آید که لازم است با دقت نظر و استقصای کامل مورد بررسی قرار گیرد که در این پژوهش هم عملاً چنین کاری انجام گرفت.

اساس کار بر مطالعه آثار و به اصطلاح، شیوه کتابخانه ای است. در واقع بدون هیچ ترتیب و تقدم زمانی به آثار شعری شاعران و نثر نویسندگان پس از انقلاب مراجعه و نسبت به فیش برداری از آنها اقدام شد. در محدوده شعر با مشخص کردن واژگان کلیدی، کار دنبال گردید اما در محدوده رمان و داستان کوتاه، اکتفا کردن به واژگان کلیدی صرفاً ما را چندان به مقصود و مقصد راهبری نکرد و به همین منظور بنا بر کار گسترده ای گذاشته شد که عمدتاً بررسی مفهومی آثار ادبیات داستانی را شامل گردید.

در اصل طرح، تمام آثار مطالعه شده اعم از نثر و نظم به منظور جلوگیری از کار تکراری و نیز مشخص شدن محدوده و حجم آثار بررسی شده به طور مفصل در پیوست معرفی شده است.

در هر حال، شیوه اصلی پژوهش به این شکل دنبال شد که ابتدا صفات و ویژگیهایی که در آثار ادبی پس از انقلاب در شعر و نثر برای نیروهای مسلح آمده و مطرح شده به تفکیک نام هر نیرو به صورت سپاه، ارتش و بسیج استخراج شد. پس

آن گاه، دسته بندی و تجزیه و تحلیل صورت گرفت و در پی آن، داده ها و پرونده‌های این بخش با شاخصهای منزلت، که در فصل دوم تحقیق مورد بحث و بررسی قرار گرفته بود، سنجیده و نتیجه همه در پایان عرضه شده است.

در این مقاله بیشتر به منظور رعایت اختصار به جنبه های مهمتر آنها اشاره می شود. دیدگاه برخی از نویسندگان و شاعران سترک ادب فارسی در آثار کلاسیک در آغاز برای استفاده بیشتر از مباحث و نیز به دست دادن سابقه موضوع در آثار ادبی فارسی به نظر و دیدگاه برخی از بزرگان ادب فارسی مراجعه و بیان آنان در این زمینه درج شده است.

مهمترین نکته های یاد شده از سوی فرزانه توس در شاهنامه، سیاستنامه خواجه نظام الملک توسی، قابوسنامه و دو اثر جاویدان شیخ اجل، سعدی در بوستان و گلستان را می توان به قرار ذیل دسته بندی کرد:

** دادن جیره و مواجب سپاهیان بهنگام (در وقت خودش)

** در عین اهتمام ویژه برای نگهداری، آموزش، تجهیز و تقویت نیروهای نظامی، کوشش در صلح و آشتی و استوار نگاه داشتن امنیت و پرهیز از جنگ (سفارش حضرت علی علیه السلام)

** برابر بودن نظامیان و غیر نظامیان در نظر پادشاه (لشکری و کشوری)

** مراقبت و نگهداری از نیروهای نظامی و سلاح مانند گنجینه ای گرانبها و

گرانسنگ و ارزشمند

** متناسب با ارزش و جایگاه هر کسی در جامعه باید به او اهمیت داد و از این

نکته غافل نشد که نظامیان در این میان، گروهی ویژه هستند. اگر در این زمینه،

تداخل پیش آید، مسلماً هرج و مرج به دنبال خواهد داشت.

****منزلت سپاهیان و شأن آنان ایجاب می کند که پادشاه نباید آنان را غمدار ببیند و خود در آسودگی به سربرد. پادشاه (حاکم، رهبر، فرمانده، متولیان امور و...)** زمانی می تواند آسوده خاطر باشد که سپاهی، دردمند نباشد، بلکه او باید فارغال و با اطمینان خاطر به سر ببرد.

در سیاستنامه، این مطالب بسیار جزئی تر و به صورتی ریز، مطرح شده است؛ هم به نوع افراد و ظاهر آنان و هم به شکل ظاهری لباس و به اصطلاح، تیپ و قیافه و حتی نوع استقرار آنان در محل رزم و جنگ و نیز بسته به تعداد هر کدام و نقشی که در این میان دارند، خیلی مفصل پرداخته شده است. البته این مطالب درباره افراد حقوق بگیر و نظامیان رسمی بیشتر جلب توجه می کند که از قضا شاهد مثال خوبی برای کار ماست.

****نشان دادن شأن و اقتدار حاکم و پادشاه و حکومت به مقدار بسیار زیادی به جلوه سپاهیان و نظامیان بستگی دارد.**

****حضور نزدیک پادشاه در چشم نظامیان و سپاهیان و حتی دادن بخشی از حقوق و اعطای امتیازات مادی به دست خود به آنان از اهمیت بسیاری برخوردار است که به قول خواجه از آن، مهری و اتحادی در دل ایشان افتد که به هنگام خدمت و کارزار، سختکوشتر باشند و ایستادگی کنند.**

****منزلت و شأن نظامیان و نیروهای رزمنده ایجاب می کند که فرمانده با آنان نشست و برخاست و رودررویی مستقیم داشته باشد بویژه در مشکلات و سختیهایی که در میدان نبرد و لحظه های خون و خطر پیش می آید برای رزمنده این احساس را تداعی می کند که فرمانده در کنار اوست نه اینکه کیلومترها با او فاصله دارد، پس نقش رودررو شدن و به صورت مستقیم و چهره به چهره بودن فرمانده و رزمنده، جزء**

مسائلی است که به شأن و منزلت نظامیان بسته است.

**استفاده مثبت کردن از تفاوتها و تنوع و دگرگونی افراد و نیروها و نژادها و طوایف مختلف و گونه گون و به نوعی رقابت مثبت ایجاد کردن میان نژادها اعم از ترک و خراسانی و عرب و دیلم و... و به چشم امکانات گسترده به آنان نگرستن

**نکته جانبی و در عین حال، بسیار مهم اینکه نیاز لشکریان به زبان فرماندهان به پادشاه عرضه شود و در علت و چرایی آن، این گونه آمده است که اگر جواب مثبت داده شد، احترام فرمانده، بیشتر می شود.

**اگر سپاهی نسبت به فرمانده خودش دراززبانی یا بی حرمتی کند و اندازه، نگاه ندارد، باید تنبیه شود تا دیگران از آن عبرت گیرند. رعایت حدود و شأن و مقام هر فرد باید در جای خود، محفوظ و وثیبت شود.

**قطع مستمری و حتی نامناسب و نامرتب و بی حساب و کتاب پرداختن مواجب و جیره لشکریان و سپاهیان، موجب زوال ملک و ملت می شود؛ امید نیروی رزمنده از حکومت و سران آن بریده می شود. در عوض، مجالی فراهم می شود تا دشمن از این وضعیت به نفع و سود خود بهره برداری کند و نیروهای نظامی را به خود امیدوار سازد و دلگرمشان کند و هزینه درخواستی آنان را پردازد و از آنها در جهت منافع نامشروع خود، سود ببرد. به این شکل، توان نظامی کشور از میان می رود. به نظر می رسد، اصل این مسئله از هر نوع مستمری دادن، مهمتر باشد و آن، امید دادن، دلگرم کردن و موقعیت دادن به نیروی نظامی است که اگر چنین نشد، زمینه ای فراهم می شود که دیگران می توانند از این زمینه ها به نفع خود سوءاستفاده کنند. ما با دست خود، زمینه ای فراهم می سازیم که دیگران از آن بهره برداری کنند. نواخت و احترام دشمن، آنان را به سوی خود، جذب می کند.

بررسی ابعاد منزلت نیروهای مسلح در آثار ادبی فارسی معاصر

همان گونه که پیش از این یاد شد، ابتدا متون منثور و منظوم با توجه به کلمات کلیدی و موضوعات مفهومی بررسی گردید و صفات و ویژگیهایی که خداوندان آثار برشمارده بودند در فهرستی جمع آوری و طبقه بندی شد که به ترتیب، ابتدا آنچه به ارتش مربوط است، می آید. در پی آن هر آنچه به سپاهیان ارتباط دارد، خواهد آمد و پس آن گاه، آنچه در مقوله بسیج می گنجید، مطرح می شود و در آخر و پیش از نتیجه گیری کلی، مختصری هم عنوانهایی عام مثل رزمندگان، توفندگان، غرندگان و... مورد دقت نظر قرار می گیرد و دست آخر، نتیجه گیری پایانی عرضه خواهد شد.

ویژگیها و صفاتی که در این بخش در آثار شاعران معاصر مورد استفاده قرار گرفته، نسبتاً پراکنده و گونه گون است. اما در یک تقسیم بندی کلی تر و به منظور بهره برداری مناسبتر از مطالب، می توان به این صورت، آنها را دسته بندی کرد:

یک دسته از صفات، برگرفته از مسائل مربوط به دین اسلام و سببهای انقلاب اسلامی، رهبری، قرآن، حرکت حماسه ساز حسینی و قهرمانان کربلا و... و به شکلی کلی، نمادهای دینی و مذهبی است. گستره و میزان بسامد و تعداد کاربردهای این حوزه از سایر دسته ها و حوزه های دیگر بمراتب، بسیار، بیشتر است. طبیعی هم هست. از آنجا که خاستگاه انقلاب اسلامی و حرکت توفنده امت قهرمان ایران در به ثمر رسانیدن گامهای بلند انقلاب و پیروزی انقلاب اسلامی ایران، حرکت جاودانه کربلا و پیام آزادیبخش و انسانساز سالار شهیدان، ابا عبدالله الحسن (ع) بوده است و دوره دفاع مقدس و جنگ تحمیلی هم به تبع این حرکت، جلوه ای کاملاً دینی و مذهبی در برداشت، همان نمودها و نمادها در ذهن تمامی رزمندگان، مصداق خود را

می یافت و همان بر ذهن و زبان شاعر نیز جاری می گردد. در واقع، روح و جانِ دمیده در تمامی مراحل جنگ و دفاع، جز این نبوده است که اساس مقاومت را یاد آزاد مردان حماسه ساز نهضت حسینی تشکیل می داده است و به همین دلیل نیز از هر نظر، گستردگی خاص خود را دارد.

دسته دیگر از ویژگیها، آوردن تعییراتی عادی است که می توان گفت، عمدتاً جنبه واقعی دارد؛ صفاتی مانند دلاور، قهرمان، گرد، پهلوان، رزمنده، مرد و مانند اینها؛ به عبارتی بهتر، دخالت عناصر شاعرانه در این تعییرات، چندان راهی ندارد و گویا بسیار عادی و معمولی برگزار شده است که توجیه و تفسیر نیاز ندارد و همگان آنها را می دانند و می گویند و بر زبان جاری می سازند. بسامد این تعییرها نمی توان گفت که زیاد است ولی مورد توجه است؛ گرچه از نظر عناصر شعری و زیبایی و جذاب بودن، چندان ارزش هنری ندارد.

دسته سوم از ویژگیها و تعییرات، کاربردهای مجازی است؛ یعنی در واقع، همان چیزی که از آن به عناصر شاعرانه و هنری یاد می شود. اصولاً هنر و جذبۀ شاعر در این قبیل موارد، می تواند خود را نشان دهد. گرچه انتظار می رود که این قسمت از ویژگیها و صفات با توجه به نوع استنادات، بسیار پر دامنه و گسترده باشد و در این میدان، بتوان مجال وسیعی را بازیافت، متأسفانه آن گونه که توقع می رود - و البته این توقع به هیچ روی دور از انتظار نیست - عرصه فراخی فراهم نشده است. در هر حال در این بخش، شاعر با استفاده از تواناییهای زبانی و به کار گرفتن و استخدام آرایه های ادبی از قبیل استعاره، تشبیه و صورتهای گونه گون مجاز، گاه به صورت مفرد و زمانی به صورت مرکب، مقصود خود را با همان تعییرات بیان می کند.

دسته چهارم از ویژگیها را می توان به تلمیحات مربوط دانست. منظور از

تلمیحات در این بخش، یاد کرد شاعر از اسطوره ها و قهرمانان ملی و دینی بسیار مشهور است. اشاره به حماسه سازانی که گاه در طول زمان، نقش اسطوره ای یافته اند و گاه نقشی واقعی داشته اما کم کم در ذهن و زبان فرهنگی ملت ایران به صورتی اسطوره وار جلوه کرده اند اما از درونمایه ای واقعی برخوردار بوده اند. بیشتر این کاربردها جنبه و ساختار ملی و میهنی دارد و عمدتاً از قهرمانان وطنی بهره می برد. البته کم و بیش، عناصر دینی را می توان در این بخش ملاحظه کرد. بسامد این کاربرد نیز، بسیار کم است. می توان گفت در مقایسه با آنچه، فرهنگ ایرانی از آن برخوردار است و توانی که شاعر در این زمینه می تواند به کار آورد و استعدادی که در زمینه های مشابه متصور است، چندان قابل اعتنا نیست؛ گرچه می توانست بسیار بیشتر از این باشد.

نکته بسیار مهمی که در این بخش باید به آن اشاره شود این است که در مجموع در این تعییراتی که در اینجا آمده، عمدتاً در حوزه شعر، جنبه ها و ابعاد مادی مطرح نشده است؛ چرا که قصد تعریف و تمجید مادی در کار نیست. می توان چنین مطرح کرد که اصولاً در بیان شعری شاعران و نیز نویسندگان، هیچ حکم مادی صادر نشده و به آن اشاره نگردیده است؛ یعنی در بررسیها به چنین ویژگی اصلاً برخورد نشد که مسئله ای مادی طرح شده باشد. تمام مسائل، جنبه معنوی دارد و عمدتاً نیز بر همان اساسی که یاد شد در همان چهار محوری که آمد، خلاصه می شود.

اکنون با توجه به توضیحات یاد شده به برخی از تعییرات هر بخش پرداخته

می شود.

توضیح و جمع‌بندی مربوط به ارتشیان در آثار ادبی فارسی معاصر

در بخش اول برای ارتشیان و تمام آنچه بدانان، مربوط است به عنوان نمونه، این عنوانها را در متون نظمی و شعری شاعران می توان یافت:

نمونهٔ مسلمان / مالک اشتر / یل (با مهابت عباس) / با صلابت (جعفر) / خار چشم شیاطین / امید دین / هوادار (خمینی) / مرد سلام / لشکر امام زمان (عج) / مردم (علی صفت) و ...

در قسمتی دیگر از کاربردها، برخی از عنوانهای واقعی مورد استناد قرار گرفته به این شرح است:

دلیران / برآورندهٔ گرد آوردگاه / مردان پیروز / دشمن شکار / تنها امید / آمادهٔ رزم / کینه خواه / رزمجوی / مهربان سرباز / رزم آرا و ...
در سومین بخش که به تعبیرات مجازی اختصاص دارد به نمونه‌هایی از این ویژگیها برمی‌خوریم:

شورِ شرار / شیرگیرِ وطن / شیرانِ غرنده / ماهیان کوه پیکر / عقابهای تیزرو / کوه / عشقِ مسلسل / دریادل / عقاب / شیر اوژن بی نظیر / عقابان طوفان و ...
در مقابل این همه اشارات مختلف که به آنها اشاره شد، فقط یک مورد تلمیح به چشم می خورد و آن تعبیر «اسفندیار رویین تن» است.

در این بخش، کمترین تعبیر به تلمیحات ملی مربوط است و بیشترین کاربردها از آن کاربردهای واقعی است که چندان جاذبهٔ شعری و هنری ندارد و کلمه ها و الفاظ تکراری نیز در آن به چشم می خورد؛ گرچه در دو بخش دیگر هم می توان به کلمه‌های تکراری برخورد.

همان گونه که اشاره شد، عمدهٔ ویژگیها جنبهٔ غیر مادی دارد و اصلاً هیچ بعد مادی مورد اشاره قرار نگرفته است.

سپاه / سپاهی / پاسداران

در این قسمت آنچه به عنوانهای یاد شده مربوط می شود، همراه با صفات و یاد کرد های ویژه آن درج می شود. لازم به یادآوری است لفظ سپاه، سپاهیان و پاسداران هم می تواند به گونه ای ویژه به اعضای رسمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان یکی از نیرو های مسلح و شاخص ج.ا.ا. اطلاق گردد که نقش تعیین کننده و بی بدیلی در مقابله جان بر کف و ایثار گرانه در برابر توطئه های شوم ضد انقلاب و ایادی آنان در بحرانهای مختلف اوایل پیروزی انقلاب در جای جای وطن اسلامی داشت و پس از آن در دوران دفاع مقدس با آفریدن حماسه های ارجمند و فراموش ناشدنی، آن گونه که شایسته و درخور این عنوان و نام بود، بحق از دستاوردهای انقلاب اسلامی با بذل جان و مال حراست و پاسداری کرد و هم عنوانهای یاد شده می تواند به گونه ای عام و مطلق بر عموم رزمندگان و ایثارگران بی نام و نشان دوران دفاع مقدس نهاده شود. بر این اساس، آنچه در پی می آید، برخی از توصیفات و یادهایی است که شاعران و سرایندگان دوران معاصر در پی گلوآه های پاسدار، سپاه، سپاهی، پاسداران و... آورده اند.

نظیر همان تقسم بندی را در اینجا که به پاسداران مربوط است، می آوریم. به یک نکته هم می توان اشاره کرد که در برخی از موارد شاید منظور از پاسداران، فقط کسانی نباشند که به اصطلاح عضو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند؛ زیرا اولاً عنوان پاسداران در شعر این دسته از شاعران تقریباً عام و فراگیر است و ثانیاً و بویژه در اوائل جنگ و دفاع مقدس، هنوز همین عنوان بر عموم رزمندگان اطلاق می شد ولی کاربرد فراگیر و رایجش همان سپاهیان پاسدار است.

بخش اول برخی از صفات و ویژگیهای واقعی، اما برگرفته از نمادهای دینی و

انقلابی که به نوعی در همه موارد قابل مشاهده است:

سپاه انقلاب / سپاه خداوند / خداجویان / سپاه فتح و ظفر / حزب الله / عاشقان
کربلا / یاران پیر خمین / رایت حق / موسی / رهبر، هادی اوست / سپاه حضرت
ختمی و ...

در این قسمت برخی از تعبیرهای واقعی و غیر هنری می آید:

رزمنده / قهرمان / سرفراز / جان نثار / افتخار آفرین / مبارزان سترگ / دلاوران
بزرگ / قوم شرف / جان بر کف / پاسدار (پاکیها) / تمام توان / سنگر نشین / پاک
/ گرد دلاور / پاسدار میهن / غیور / استوار / فتح آفرین / ساده / مهر و پاکی و ...

اما برخی از تعبیرهای مجازی مربوط به پاسداران به این قرار است:

زاده بطنهای شرقی / شیرگیر وطن / سلاح سرخ / بهار (شعر شهادت) / اخگر /
خورشید خاور / رعد و طوفان / صاعقه آهنگ / ظلم سوز فلق / بردبرانگیز /
دادگستر نور / پلنگ / طوفان مرام (دشت) / دروازه (شهر عشق) / کشیده پر (به بال
موجها) / به سوی اوجها / رونده در دل توفان / نهنگ قلمز و ...

در مجموع آثار بررسی شده در این قسمت، هیچ تلمیحی در جنبه های ملی و
ایرانی صرف مشاهده نشد.

بسیج و بسیجی و آنچه به نیروی مردمی بسیج مربوط است

از آنجا که توصیف بسیج و بسیجی در مجموعه شعر گویندگان بسیار زیاد است،
طبیعتاً آنچه در اینجا می آید، مشت نمونه خروار خواهد بود

آنچه مربوط به بسیج است در واقع به همان وسعت و بیکرانگی خود بسیج است.
بررسیها در این زمینه بسیار گسترده و مفصل است که در هر بخش به برخی از موارد

مطرح شده در همان بخش اشاره می شود:

قسمت اول: تعییراتی که به انقلاب، اسلام، قرآن، دین و مذهب، مأخوذ از اصطلاحات ولایی و مانند آنهاست؛ ترکیباتی مانند

شهیدی میان شهیدان / جان نثار امت / لباسش کفن اوست / اسوه رزم و شهامت / پاسدار انقلاب / بهار انقلاب / بهترین فرزندان انقلاب / ملایک او را مدح می کنند / امت شیدا / پاسدار انقلاب / شهیدان راه عشق / عاشقان سینه چاک جبهه ها / افتخار کشور اسلامی / آماده برای حفظ انقلاب / شهید روزهای آتشین / ناصر والعشق یک و ...

اما برخی از اوصاف و ویژگیهایی که برای بسیج و بسیجی به صورت واقعی آمده از این قرار است:

سلحشوران / صادق / سمبل وحدت / جان بر کف / گمنام ستیز / سراپا طلب / سرآمد همه احرار / کوچک و کم سن و سال / مدبر / دانا / هوشمند / باطرح / با فر و هنگ / با دانش / با کمال / با جمال / دلیر / غران / توفنده امواج خلیج / اسدار / حافظ این مرز و بوم / خصم دژخیمان شوم / شعار او ضد هر زشتی و پلیدی / تنها / سر جدا و ...

در مورد بسیج، تلمیحات، نسبت به سایر نیروها بر مراتب بیشتر است. ذیلاً به تعدادی از آنها اشاره می شود:

کوبنده فرعون بغداد / یونسی در کام ماهی / سر به دار این زمان / میثم تمار / از تبار جنگلی ها / آرش مرز غرور / دم مسیح در جبهه نور / آرشی در سینه / هم‌رزم مالک اشتر در صفین / چون وهب سر می دهد در راه حسین / حلاج های دار بر دوش /

همان گونه که ملاحظه می شود، تلمیحات نسبت به سایر توصیفات و ویژگیها بسیار کم است در عین حال، نسبت به دیگر توصیفات که برای نیروهای دیگر شده

از چند جهت قابل ملاحظه است: اول اینکه از نظر شمارشی و بسامد، تعداد آنها زیادتر است؛ در مورد برخی از نیروها حتی یک مورد هم مشاهده نشده است. از نظر کیفی و نوع بیان هم، بسیار مختلف و پراکنده است؛ به عنوان مثال، تلمیح به مسائل ملی، دینی، مذهبی، تاریخی در انواع گونه گون آن به چشم می خورد؛ حتی به جنبه ادبی نیز راه یافته است.

در بخش تعبیرات مجازی که به نوعی می توان آن را تنها میدان و مجال گسترده شاعر برای بیان مقاصد ذهنی خود در شکلی هنری دانست، ویژگیها و اوصاف، بسیار متنوع و گوناگون است؛ برخی از تعبیرات این بخش عبارت است از:

کبوتر های تنهای حرم / برادرهای زخم / نخلهای سبز و باسق / بر کرسی دلبر
نشسته / راست قامت های جایدان خاک / ماه / لاله سرخ رنگ / باده پرست / با محمل
شوق ، هم رکاب / حماسی ترین شعر جنگ / با دل شیر / گدایان راه عشق / ماه سپهر
عشق / خالص همچون طلا در روزگار / مست / مرغ آغشته به خون / کیمیا / جانی بی
جرم و خطا داشتن مانند فرشته / آبشار کوه ایمان / همانند لاله در رکوع / ارغوانی
چهره / عشقباز / با دلی روشن تر از آینه / دل به دریا سپردن / نماز گزار خون به صحرا
و ...

رزمندگان، دلاوران، توفندگان، غرندگان و...

بسیاری از نمونه های شعری سخنوران و سخنسرایان معاصر با عنوانهای مشخص همانند ارتش، ارتشی، سپاه، سپاهی، سرباز، رزمندگان و دلیرمردان نیروهای دریایی، هوایی و زمینی از هریک از نیروهای رزمنده و ایثارگر و یا به صورت کاملاً معلوم با عنوان بسیج یا بسیجی در دفترهای شعر مجموعه آثار شاعران چاپ و منتشر شده

است اما در این میان، برخی از قطعات و آثار ادبی بدون عنوان خاص در دسترس قرار گرفته و یا گاهی با عناوین عام همچون، رزمندگان، دلاوران، توفندگان و... از آنها یاد شده است. در این قسمت به برخی از نمونه های این چنینی اشاره می شود.

در میان عنوانهای گوناگون و مختلفی که شاعران، هنرمندان و نویسندگان برای نیروهای مسلح به کار برده اند، افزون بر عنوانهای مشخص، که به آنها اشاره شد، عناوین متفرقه و عامی می توان یافت که به نیروی خاصی اشاره ندارد؛ بلکه عموم رزمندگان را دربرمی گیرد. در واقع، گویا این عنوانها، خود به نوعی، صفات و ویژگیهای رزمندگان است که به آنها اطلاق شده است. در برخی موارد هم همان صفت و ویژگی رزمندگی است که موجب یادکرد شاعران شده است. در این پژوهش می توان این عناوین را به همه رزمندگان مربوط دانست و به عبارت بهتر، ویژگیها و کاربردهای این قسمت را باید به همه مربوط و وابسته دانست. البته در این پژوهش، فصلی جدا به این دسته و گروه اختصاص داده شده است که در پایان آن هم، مطابق معمول، صفات و ویژگیهای آنان جداگانه ردیف می شود تا بتوان به آنها استناد کرد.

در این قسمت به برخی از این نکات پرداخته می شود:

در آغاز نمونه هایی از تعبیراتی واقعی که برای این دسته عام به کار رفته است:

گردان ایران / یلان صف شکن / سلحشوران / دلیران / جبهه پیکار / رادمردان دشت خوزستان / مردان جنگی / ظفرمندان / گردان نام آور / جنگجویان دلاور / پیشتازان دلیر / دلاوران / رزم آوران / یاران / دلیران و گردان ایران زمین / رزمندگان / مردایشان و...

در این قسمت، عمدتاً اوصافی درج می شود که از آموزه های دینی، انقلاب

اسلامی و مفاهیم مربوط به این حوزه برگرفته شده است؛ به عنوان نمونه:

عارفان حرای حریت / پیشگامان کفن پوش رهایی / یاران انقلاب / مرد مکتب
 قسط و عدالت / پیروان راه حسین / پویندگان آیین وفا / لشکر قرآن / مردان
 سرتاپا خدا / یاران با صفای مکه / شب زنده داران / درد آشنای توده مستضعف و ...
 در این بخش، تعبیراتی است که به صورت هنری و در شکل مجازی به کار رفته
 است؛ نمونه:

کفرسوز / نشانه رفته به سوی کهکشان زمین خدا / مردان آهنین / دریادلان / ظلمت
 ستیزان / دلیر عرصه نور / شیر / دلاوران سحر / راهیان ظفر / راست قامت / عرشیان / نور
 شام معرفت اندیشان / فریاد رنجهای نیاکان / پرپر شده در چمن / شیران خونین بال / به
 بند در آورنده شب / گل / سربازان عشق / رهروان عشق / سواران سحر / پرنده های
 عاشق / سروهای ارغوانی / واژه های آسمانی / آلاله های پرپر عشق / گلوازه های دفتر
 عشق و ...

تلمیحات این بخش بسیار کم است و به این قرار:

رخش سواران / آرشان فاتح شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

بررسی، تجزیه و تحلیل، جمع‌بندی و نتیجه گیری

اساس داده های این پژوهش به بررسیهای کتابخانه ای و اسنادی مستند است؛ به
 عبارت دیگر آنچه در این تحقیق مورد استناد قرار گرفته، همه از آثار شاعران و
 نویسندگان به صورت فیش، بازنویسی شده و در کنار هم قرار گرفته است. از این رو
 تمام مراحل پنجگانه یاد شده در آغاز عنوان در کنار هم و به موازات هم مطرح
 خواهد شد. در ابتدا تصور و فرض اولیه پژوهشگر چنین بود که می توان با دسته بندی

خاص نیروهای مسلح به عنوانهایی که امروز وجود دارد و از آغاز انقلاب اسلامی و قبل از آن هم تاحدودی وجود داشته است، محورهای شاخص ارتش، ارتشی، پلیس، بسیجی، بسیج، پاسدار، پاسداری (حتی ژاندارمری و ...) و ... را جداگانه در دسته بندی و تقسیم مخصوص به هر یک قرار داد و تمام مسائل مربوط به آنها را کاملاً جدا به صورتی تفکیکی، ذیل هر کدام مطرح، و دست آخر هم از همان نتیجه ای استنباط کرد که آن نتیجه، طبعاً می تواند با نتایج همتراز و همردیف خود در سایر محورها مقایسه و تطبیق شود. شاخصها همه خود را کاملاً نشان می دهد، محورها جداگانه خودنمایی می کنند؛ حتی تصور می رفت، می توان بر این اساس، نمودارهای ستونی و دایره ای ترسیم، و در یک اقدام نهایی نیز آنان را در کنار هم قرار داد و به نتیجه ای کاملاً دقیق و علمی دست یافت که هم می تواند به تنهایی وضع هر نیرو را نشان دهد و هم با تطبیق و مقایسه می توان وضع کلی همه نیروهای مسلح را حداقل در آمار و نمودار ستونی و دایره ای در اختیار داشت. این تصور و فرض اولیه پژوهشگر بود. بر همین اساس نیز محورهای کاری مشخص و دنبال، و تعیین، و خط مشی کار نیز با در نظر گرفتن همین هدف تنظیم شد. پس از به دست آمدن داده ها و اطلاعات اولیه و منظم کردن فیشها و تدوین اولیه آنها، آنچه به دست آمد از اساس با آنچه پیش بینی می شد، متفاوت جلوه گر گردید. به دنبال همان طرز تفکر اولیه، توصیه و سفارش اکید این بود که مبادا پررنگ بودن حجم اطلاعات و داده ها و طرح مسائل به مناسبت جنگ و دفاع مقدس، ما را از پرداختن به موقعیتهای زمانی دیگر بویژه پس از جنگ باز دارد. پس با این حساب، حتماً جنگ و دفاع مقدس در ظرف زمانی خودش دیده، و پس از آن در ظرف زمانی خاص پس از جنگ و هر کدام به تفکیکی مطرح، و عرضه، و سپس نتیجه گیری ارائه شود. این

روال و شیوه و تنظیم و ترسیم، مبنای اولیه بود اما در عمل چنین روشی، نتوانست عرض اندام کند. اولاً از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تا آغاز هجوم دشمن به خاک مقدس سرزمین جمهوری اسلامی ایران موقعیتی فراهم نشد که اثری به این مسئله (طرح منزلت نیروهای مسلح در آثار ادبی فارسی معاصر) پردازد؛ گرچه در فاصله بسیار کمی از پیروزی انقلاب اسلامی با دخالت عناصر بیگانه و همدستی ضد انقلاب در داخل کشور، اغتشاشات و ناآرامی‌هایی به وجود آمد که عمدتاً نیروهای مردمی و شاخص آنان، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، کمیته های انقلاب اسلامی و نیروهای مردمی عرض اندام کردند در عین حال طرح مسئله به هیچ صورتی عرضه نشده است. این فاصله از نظر زمانی نیز، فرصت چندان قابل اعتنایی نیست. از سوی دیگر و ثانیاً در همین برهه زمانی نیز، دخالت نیروهای بیگانه و همدستی عوامل ضد انقلاب داخلی باعث به وجود آمدن درگیریهای خونین و وحشتناک در پاره ای از شهرهای کردستان، سیستان و بلوچستان و برخی شهرهای دیگر شد که باز این دخالت نیروهای مردمی در آن موقعیت خاص بود که غائله را در بسیاری از جاها فرو نشاند ولی به دلیل گستردگی و پیچیدگی مسئله در کردستان و بویژه در پاوه و مریوان و شهرها و نقاطی از این محدوده، سپاه در عین محدودیتهای بسیار زیاد، وارد عمل شد که بخوبی توانست ایثارگرانه و حماسه سازانه از عهده برآید و برای همیشه آن را به صورت صفحاتی درخشان در تاریخ فعالیت و کارنامه و عملکرد درخشان خود ثبت و ضبط کند. هنوز این درگیریها در اوج بود که حمله سراسری دشمن یعنی آغاز شد و دامنه جنگی گسترده و بسیار طولانی به مدت هشت سال، ورق را درهم پیچید و شد؛ آنچه همه شاهد آن بودیم.

اوضاع عادی و زمان بحران و جنگ

به طور کلی آنچه محور بسیاری از پژوهشها قرار گرفته و داده‌هایی بر آن اساس، استخراج، طبقه‌بندی و استنباط شده، عمدتاً به زمان عادی و صلح مربوط است. پژوهشهای پیشین، که در بخش ادبیات موضوع به آنها و نتیجه کارشان نیز اشاره شده است، اوضاع عادی را در نظر دارد. به همین علت است که شاخص و جنبه‌های مادی یکی از پررنگترین ابعاد در ستونهای مربوط به پایگاه منزلت و شأن نیروهای مسلح است؛ از آن جمله، توجه به این نظریه‌ها و داده‌ها و نکته‌ها می‌تواند بسیار تعیین‌کننده باشد: اینکه شأن و منزلت، تابع متغیرهای مختلف است که می‌تواند هم جلوه مادی داشته باشد و هم جلوه غیر مادی. اهمیت پرداختن به مسائل اولیه معیشت و زندگی مثل درآمد، مسکن مناسب، تأمین بهداشت و رسیدگی به وضع درمان در مقوله امور مادی که کسر و کمبود آن موجب کاهش منزلت و شأن در جامعه خواهد شد. اصولاً طرح این نکته و اندیشه عمدتاً در زمان صلح مجال ظهور می‌یابد. ویژگیهای فردی نیروها مانند بینش و دانش (سطح تحصیلات) آنان، مهارت و تواناییهای هر یک از کارکنان در شکل‌گیری شأن و منزلت فردی و سازمانی نقش مهم و بسزایی دارد. صد البته این سخنی کاملاً درست است اما وقتی دشمن با تانک از دیوار خانه به درون آمد، چه موقعیتی برای دیدن و طرح سطح تحصیلات و یا حتی بحث از نوع مهارت و تواناییهای افراد است که بر آن اساس، کسی بخواهد تقسیم وظیفه کند. اینجا گویا همه یک وظیفه را احساس می‌کنند و آن، مقاومت و ایستادگی در مقابل این دشمن است با دست خالی و پوست و گوشت و خون. پیش از این در تئوری هانری مندراس، چهار متغیر شأن، میزان آزادی و دستمزد به عنوان چهار ویژگی پایگاه و منزلت اجتماعی در مورد موقعیت شغلی گوناگون به این شرح

مورد بررسی قرار گرفت که هر چه کار انسان جالبتر و دارای کشش بیشتری باشد، شأن و منزلت اجتماعی و میزان آزادی عمل و دستمزد آن از طریق جامعه بیشتر خواهد بود. هر بار که فرد، کشش و جذابیت کار خود را مشاهده کند، شأن و آزادی و دستمزد او بیشتر خواهد شد و البته گاهی در برخی از موقعیتهای متوسط اجتماعی، بعضی می پذیرند دستمزد نسبتاً کم داشته باشند اما از شأن و منزلت بالا و والا و کار جالبتر و با پرستیژ بهتری برخوردار گردند. گویا کسی نمی تواند در این سخنان جالب تردید کند اما خانواده ای که به ناگاه لوله اسلحه دشمن تا دندان مسلح را بالای سفره خود ملاحظه می کند، آیا می تواند و چنین امکانی برای او فراهم هست که به بررسی این موضوع بنشیند که اکنون کدام کار، کشش و جذابیتی دارد که به آن پردازد تا در نتیجه از موقعیت و پایگاه منزلتی والاتری بهره ببرد؟ نمونه دیگری جنیکس است که در تحقیقات خود نشان داده است بین منزلت اجتماعی افراد با عوامل مختلفی از قبیل پیشینه خانوادگی، سطح تحصیلات، درآمد و استعداد، همبستگی وجود دارد ضمن اینکه تأثیر سطح تحصیلات بر منزلت شغلی را قویتر از سایر عوامل اعلان کرده است. بدون تردید تمام موارد یاد شده را می توان به زمان صلح و موقعیت عادی زندگی افراد مربوط دانست. وقتی همه دستگاه های اداری و آموزشی و نظام و سامانه کشوری بر پایه اصلی خودش به طور معمول و روزمره می چرخد، این انتظار کاملاً طبیعی و نتیجه گیری نیز همراه آن با سلامت قرین است. اما حمله گسترده، سبانه و وحشیانه دشمن، سبب شده است که دیوارهای مدرسه و دانشگاه به صورت سنگر دفاع افراد درآید. کلاس درس، محل استقرار مجروحان جنگی است. معلم و شاگرد در یک جا و در کنار هم به یک کار مشغولند و آن جلوگیری از نفوذ هر چه بیشتر دشمن و با مقاومت خود به عقب راندن او. نظریه

ویلبرت مور چنین است که موقعیتهای شغلی که برای جامعه، حیاتی تر و ضروری تر است، جامعه به آنها پادشاهای بیشتری از قبیل درآمد بیشتر، فراغت بیشتر و منزلت اجتماعی بالاتری تفویض و واگذار می کند تا افراد شایسته و توانمند برای این مشاغل جذب گردند. بر این اساس به نظر می رسد در زمان بحران، وضع فرق می کند. چون تا صلح است و جامعه در حال عادی است، هر کس به کار معمول خود مشغول، و وضع همین است؛ اما وقتی بحران بزرگی مانند جنگی تمام عیار، جامعه را در بر می گیرد، معیارها کاملاً متفاوت خواهد شد. آن وقت است که نیروهای مسلح معنا پیدا می کند و مورد توجه قرار می گیرد. حال در این وضعیت اگر نیروی مسلح توانست از عهده برآید، شأن و منزلت بسیار والایی می یابد و برعکس اگر نتوانست از عهده برآید از چشم افراد جامعه می افتد و کاملاً از شأن و منزلتش کاسته خواهد شد. هانری برگمن از دیدگاهی دیگر به بحث منزلت نگاه می کند. برگمن در تحقیقات خود بر نیازهای بیولوژیکی انسان تأکید دارد. او به این نتیجه رسیده است که انسان و جامعه به پدیده هایی امتیاز می دهد که در بیشترین حد، بتواند نیازهای او را برآورده سازد؛ حتی اگر مهمترین ارزشهای هر فرهنگ با نیازهای بیولوژیک انسان در تضاد باشد، دیر یا زود ارزش خود را از دست خواهد داد. البته در این دیدگاه، همان گونه که مشخص است، عمدتاً بر جنبه مادی تأکید شده است؛ ولی در عین حال این دیدگاه هم می تواند در زمان صلح و هم در زمان بحران تا حدودی برای طرفدارانش مهم، و طرفدار هم داشته باشد. پس بر این اساس، باز در زمان بحران است که برای انسانهای قائل به ارزشها و نیازهای بیولوژیک، آنان درمی یابند که کسانی جان خود را فدا می کنند تا آنان بتوانند آسوده و ایمن زندگی کنند. به همین دلیل در نظر آنان، شأن و منزلت نیروهای مسلح ارتقا می یابد و اصولاً

در این مرحله این مسئله موضوعیت پیدا می کند و مطرح می شود. البته این نتیجه گیری یا تغییر موضع، دیدگاه ماست که در این بحث این گونه مطرح می شود و گرنه برگمن هرگز به این گونه نتیجه گیری قائل نیست. او صرفاً با توجه به پژوهشهای خود بر تأمین و برآورده شدن نیازهای بیولوژیکی و فیزیکی انسان تأکید دارد که آن هم جز رویکرد مادی، هیچ تفسیر و توجیه دیگری ندارد.

پاسخ پرسشهای اصلی تحقیق

با توجه به بررسیهای انجام شده در حوزه تحقیق، اکنون فرصت مناسبی است که به سؤالات اساسی این پژوهش، پاسخ داده شود. در آغاز، چهار سؤال کلی مطرح شد که عمدتاً به چگونگی بیان هنجار، نقش، موقعیت و منزلت نیروهای مسلح در آثار ادبی فارسی معاصر باز می گشت.

سؤال اول: موقعیت هر یک از نیروهای مسلح پس از انقلاب اسلامی در آثار ادبی

فارسی چگونه است؟

با توجه به معنا و مفهوم موقعیت می توان در پاسخ سؤال، چنین اشاره کرد که پس از انقلاب اسلامی در موقعیت بحرانی جنگ تحمیلی و دفاع مقدس، جایگاه و موقعیت تمام نیروهای مسلح بدون تفاوت چشمگیر، بسیار خوب ارزیابی می شود.

از آنجا که دفاع مقدس، هم جنبه ملی و هم جنبه دینی یافت، طبیعتاً تمام اقشار

ایرانی، رزمنده صحنه های دفاع مقدس و جنگ بودند.

سپاه و ارتش و سایر نیروهای مسلح به عنوان وظیفه اولیه، صحنه گردان عملیات و

مبتکر و خلاق و پیشرو تمام و شهادت طلب این عرصه بودند و حضور تمام عیاری

در این معرکه داشتند. در مرحله بعد، وقتی اقلیتهای دینی مانند مسیحی، آشوری،

یهودی و... به عنوان داوطلب در جبهه های دفاع، مشارکت می کردند و جانشان را مخلصانه در راه دفاع از مرزهای شرف و بزرگی و اقتدار ایشار می کردند، طبیعی است آنان که مسلمان هستند در مرتبه اولی در این عرصه پیشتاز باشند. پس می توان به چنین نتیجه گیری رسید که در این مسئله، چندان تفاوتی به چشم نمی خورد و از این نظر، تمام نیروهای مسلح در آثار ادبی فارسی، موقعیت یکسانی دارند و جدا سازی آنان چندان امکانپذیر نیست بخصوص با توجه به تعبیرات رزمنده، ایشارگر، سرباز، دلاور، گرد و....

سؤال دوم: نقش هریک از نیروهای مسلح و هنجارهای نقش آنان پس از انقلاب در آثار ادبی فارسی معاصر چگونه ترسیم شده است؟

با توجه به صفتها و ویژگیهایی که برای هر یک از نیروهای مسلح به صورت جداگانه در متن تحلیل آمده است، نقش و هنجار بسیج، بسیار فراتر و گسترده تر از سایر نیروها ترسیم شده ولی نیروهای ارتشی و سپاهی از این نظر با محدودیت بیشتری روبه رو هستند و محدودتر در نظر گرفته شده اند.

سؤال سوم: پایگاه منزلتی هر یک از نیروهای مسلح پس از انقلاب اسلامی در آثار ادبی فارسی چگونه ابراز شده است؟

پایگاه منزلتی هر یک از نیروهای مسلح بسته به موقعیت و شأن و نیز حضور هر یک از این نیروها در دفاع مقدس با صفات و ویژگیهایی ترسیم شده که در جای خود، مفصل توضیح داده شد.

سؤال چهارم: نیروهای مسلح در مقایسه با هم به لحاظ موقعیت، نقش و پایگاه منزلتی در آثار ادبی فارسی پس از انقلاب اسلامی چگونه عرضه شده اند؟

به این سؤال با توجه به بررسیهای مختلف اسنادی نمی توان به این شکل پاسخ

داد. در واقع می توان این گونه اظهار کرد که بر اساس پژوهشهای به عمل آمده، موقعیت، نقش و پایگاه منزلتی نیروهای مسلح را نمی توان به صورت مقایسه ای و تطبیقی از آثار ادبی فارسی معاصر در آورد؛ زیرا نویسندگان و شاعران، هریک در موقعیت و فرصتی، مواردی را برای هر یک از نیروها ذکر کرده اند. در بسیاری از نمونه ها، شعر یا اثر آنان اصلاً به نیروی خاصی اشاره ندارد؛ حتی در نثر نیز این گونه نیست که از پاسدار، بسیجی یا نیروی ارتشی به لحاظ وابسته بودنش به جنبه حرفه ای خاص خودش، چنان یاد کرده شده باشد که اگر او را از آن جنبه حرفه ای خودش جدا کنیم و به جای آن، بسیجی یا پاسدار بگذاریم، معرکه و صحنه، کاملاً دگرگون شود. البته در معدود آثاری چنین چیزی به چشم می خورد. به همین دلیل نمی توان جنبه مقایسه ای و تطبیقی از بررسی آن چنان استخراج کرد که برای هریک، جدول خاص و یا نموداری ویژه چنان تنظیم گردد که هر کدام را از یکدیگر کاملاً جدا و مشخص و ممتاز سازد.

نکته قابل ملاحظه دیگری که در این محور وجود دارد بویژه از دیدگاه مطالعه حوزه شعر و نظم، این است که آثار شاعران عموماً دارای عنوان خاص و ویژه نیست که صرفاً آن را به گروه و قشر خاصی محدود کند؛ به عبارت دیگر، شاعر در وضعیتی ویژه و تحت تأثیر موقعیت خاص در جبهه با دیدن صحنه ای و یا بدون هر یک از اینها شعر می سراید. او تحت تأثیر الهام خود و مواجهه و رویارویی با قضیه ای بیرونی، احساس خود را بیان می کند. این احساس، عنوان و تابلو نمی تواند داشته باشد. او برای رزمنده شعر می گوید؛ خواه این رزمنده ارتشی باشد، پاسدار یا بسیجی یا به هریک از نیروهای مسلح و یا حتی غیر آن مثلاً با عنوان دلاوران، توفندگان، غرندگان و... وابسته باشد. این است که تقسیم بندی خاص و علمی و

نظری ویژه‌ای نمی‌توان از این محور استنباط کرد.

در این محدوده نیز شعرهایی وجود دارد که صرفاً برای شخصی سروده شده که او پاسدار است یا ارتشی است یا بسیجی و یا ... و یا تقدیم شده به هر یک از این عناوین به طور کلی.

آنچه در این پژوهش به آنها توجه شده، همان گونه که قبلاً نیز در ابتدای این بخش توضیح داده شده است، اصرار و تأکید بر این نکته بوده که اگر در شعری، عنوان خاص وجود دارد و جدا سروده شده است در متن پژوهش نیز، همان لحاظ گردد بویژه در محدوده نثر که کار مقداری آسانتر می‌شود؛ یعنی در این محور، کاملاً عنوان و لقب می‌آید اما این وضعیت و حالت، آن قدر از نظر مقدار قابل اعتنا نیست.

همان گونه که در این پژوهش ملاحظه می‌شود برای هر کدام، عنوان جداگانه آمده است و همان نتیجه را هم می‌توان اساس مقایسه و تطبیق قرار دادولی با توجه به همانندیا و شباهتها، چندان تفاوتی در نتیجه‌گیری از خود نشان نمی‌دهد؛ مثلاً اگر راوی در داستان، نوع برخورد خود را با یک بسیجی یا پاسدار یا ارتشی نشان می‌دهد، این نوع لباس خاص او در آن محدوده زمانی است که نشان می‌دهد این فرد در هر صورت رزمنده‌ای است که اکنون در جبهه و در سنگر و در خط و شب حمله و... است یا در پشت جبهه قرار دارد ولی او به هر حال، رزمنده عرصه دفاع مقدس است و از این بابت، موضوع شعر یا داستان یا هر اثر ادبی قرار گرفته است.

خلاصه سخن

مباحث نظری درباره منزلت، چه از دیدگاه مبانی پژوهشی نظریه پردازان غربی و

چه از دیدگاه مبانی آنان که موضوع را با توجه به پژوهشها و بررسیهای میدانی داخلی بررسی کرده اند، مجموعه ای از ویژگیها را ذیل آن بر می شمارند که برخی ابعاد مادی و بعضی هم به جنبه های غیر مادی می پردازد؛ به عبارت دیگر، کفه سنگین عنوانهای منزلت از دیدگاه غربیان، همانا مادی گرایانه و امور دنیایی است اما بررسیهای میدانی و پژوهشهای داخلی، هر دو جنبه را مطرح می کند و البته از نظر اولویت هم مقداری متفاوت است. برخی صفات در هر دیدگاه، ردیفهای خاصی را به خود اختصاص می دهد که در جای جای این پژوهش نیز به آنها اشاراتی و از آنها یاد شده است.

نتیجه بررسی در ادبیات این پژوهش، که ارکان جزئی و کلی آن کاملاً در همین فصل بیان شده است، بسیار خلاصه و فشرده می تواند به این شرح بازگو شود:

مباحث مربوط به شأن، موقعیت و منزلت نیروهای مسلح و نظامیان در آثار ادبی پیش از انقلاب اسلامی نمودی ندارد و چیزی در این زمینه مطرح نشده است. طرح مسائل فرعی از نظر کمی به مقدار بسیار کم با توجه به حجم گسترده آثار، اصلاً قابل اعتنا نیست و به حساب نمی آید. گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تنها در برخی از آثار به ویژگیهای خاصی فقط برای پلیس، پاسبان و ژاندارم یا امنیه اشاراتی شده که این اشارات، عیناً در ذهن و زبان مردم آن روزگار و به صورت تداول و گفتگو و محاوره هم جاری و ساری بوده است؛ به عبارت دیگر ادبیات این دوره نه تنها در این زمینه تأثیرگذار نیست بلکه نمی توان توقع و انتظار داشت که نکته ای را صرف نظر از جنبه نظری ادبیات طرح کرده باشد.

پس از انقلاب را می توان به سه دوره کاملاً مشخص، تقسیم و متمایز کرد که هر دوره از نظر زمانی بسیار متفاوت ولی از نظر عوامل تأثیرگذار، بسیار مهم است. دوره

اول: زمان بسیار کوتاه از پیروزی انقلاب اسلامی تا شروع جنگ تحمیلی و دفاع مقدس؛ دوره دوم: تمام دوره جنگ تحمیلی و دفاع مقدس (جنگ هشت ساله)؛ دوره سوم: از پایان جنگ تحمیلی و دفاع مقدس تا روزگار ما.

دوره اول بسیار کوتاه است. آثار قابل ملاحظه ای که در این دوره به وجود آمده، چه از نظر کمی و چه از لحاظ کیفی اصلاً قابل اعتنا و توجه نیست؛ طبعاً نمی توان نتیجه ای از این دوره انتظار داشت. البته تعداد آثار چاپ شده در این دوره کوتاه به دلیل وجود فضای کاملاً باز سیاسی و حال و هوای پیروزی انقلاب اسلامی و آزاد بودن فعالیت تمام گروه های سیاسی و حتی نظامی معاند، مخالف، موافق، بیطرف و... از یک سو و مشغول بودن دولت موقت و حتی شورای انقلاب به مسائل و مشکلات مختلف مملکتی از سوی دیگر، بسیار زیاد است ولی عمدتاً به قبل از این دوره مربوط است. در این دوره از خلق و ابداع اثر ادبی قابل توجه خبری نیست. بنابراین از طرح مسائل مربوط به شأن و منزلت نیروهای مسلح در آثار ادبی این دوره، نشانی به دست نیامد.

دوره هشت ساله دفاع مقدس، تمام مسائل مربوط به این پژوهش را دربرمی گیرد. از یک سو آثاری که در این دوره کم کم در پی رسوب و نفوذ و دخالت جنگ در تمام عرصه های مردمی پا می گیرد؛ شکل می یابد؛ عرضه می شود و با همه ویژگیهای خاص خودش منتشر می شود. از سوی دیگر، داخل ماجرای بودن و لمس و حس کردن آن از نزدیک و همان زمان درباره آن داوری و ارزشگذاری کردن، افزون بر امتیازاتی که دارد، محدودیت دیدگاه را هم در پی دارد؛ چه، حب و بغضها، دوستیها و دشمنیها، تحت تأثیر عوامل گوناگون قرار گرفتن ها و... اجازه نمی دهد که موضوع گسترده جنگ، آن هم جنگی با این عظمت که طولانی ترین

جنگ قرن نام بگیرد و هم با تمام شئون و مسائل ریز و درشت شخصی و اجتماعی و فرهنگی و سیاسی و اقتصادی همه مردم گره بخورد، آن گونه که باید و شاید راه خود را باز کند و بویژه از لحاظ ابعاد گونه گون پرداخت هنری به آن به طور فراگیر عرضه شود؛ به عنوان نمونه و مثال، هنوز پس از گذشت بیش از ۵۰ سال از جنگ دوم جهانی، شاهد آفرینش آثاری با محور بودن این موضوع و پیامدهای آن هستیم. پس طبیعی است که در داخل زمان جنگ و لمس و حس آن از نزدیک، نباید منتظر کاری کارستان بود؛ چرا که موانع و عوامل تأثیرگذار بسیار است.

دوره پس از جنگ و دفاع مقدس: این دوره که تا روزگار ما و پس از ما ادامه دارد و خواهد داشت، طبیعتاً یکی از انتظارات و توقعات شایسته و بحق این است که به وجود آورنده آثار ادبی و هنری شاخص و برجسته باشد. نمونه کارهایی هم عرضه شده اما متأسفانه عوامل متغیر و تأثیرگذار در این دوره هم به مدد کارسازی و دخالت عناصر سیاسی داخلی و خارجی، چنان گسترده است که خلق و ابداع و آفرینش آثار را با زاویه های دید محدود روبه رو می سازد.

طرح مسائل مربوط به شأن و منزلت نیروهای مسلح در دوره جنگ در اوج خود است. اوضاع کاملاً بحرانی و پیچیده جنگ و دفاعی که تمام مردم و اقشار مختلف (بسیج) را به تکاپو واداشته، کارایی تمام نیروهای مسلح در همه عناوین اعم از ارتش و سپاه در تمام عرصه ها و صحنه های جنگ باعث شده است، یکی از پربسامدترین موضوعات، ترغیب و تشویق نیروهای رزمنده به حضور در جبهه ها و تلاش برای اعزام آنان به جبهه ها و ماندگاری نیروها در جبهه، پشتکار، دفاع، مقاومت، ایثار، از خودگذشتگی، جانفشانی، سرباختن، شهادت و در یک کلام، ایستادگی تا مرحله ایثار و نثار آخرین قطره خون باشد. برای تحقق این هدف، گره خوردن آن با زمینه‌ها

و خاستگاه دینی و مردمی و ملی و مذهبی مردم طبیعی است. اینجاست که بهره‌گیری از همه عناصر یاد شده به میدان می‌آید و در بیشترین بسامد از آنها مدد گرفته می‌شود.

با توجه به تمام مسائل یاد شده باید به این نکته اساسی اذعان کرد که بر خلاف تصور اولیه، موضوع و طرح مسائل مربوط به شأن و منزلت نیروهای مسلح، فقط در آثار ادبی دوره جنگ و پس از آن در حیطه مسائل مربوط به جنگ و دفاع مقدس آورده شده و در غیر این چهار چوب به چیزی اشاره نشده است.

منابع فارسی

- آبرکرامی، استغن و دیگران (۱۳۷۰). فرهنگ جامعه شناسی. ترجمه حسن پویان. تهران: انتشارات چاپخش.
- آکادمی علوم اتحاد شوروی، شاهنامه فردوسی. ۱۹۶۶ م. مسکو: انتشارات شعبه ادبیات خاور.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۵۱ تا ۱۳۴۱). لغت نامه. مجلدات گوناگون. تهران: دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸). آنا تومی جامعه. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). دایره المعارف علوم اجتماعی. تهران: انتشارات کیهان.
- سعدی شیرازی، مصلح الدین (۱۳۶۹). گلستان سعدی. تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی. چ دوم. تهران: انتشارات خوارزمی.
- ؛ بوستان سعدی. تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی. چ چهارم. تهران: انتشارات خوارزمی.
- صدری افشار، غلامحسین و دیگران (۱۳۷۷). فرهنگ فارسی امروز. ویرایش سوم. تهران: مؤسسه نشر کلمه.
- عبداللهی زاده، سیدحسین (۱۳۸۴). بررسی شاخصهای منزلت از دیدگاه کارکنان ناجا. پروژه پایان یافته به سفارش گروه نیروی انسانی و مدیریت مرکز تحقیقات و پژوهشهای ناجا.
- عنصر المعالی کیکاووس بن اسکندرین قابوس بن وشمگیر بن زیار (۱۳۷۱). قابوسنامه. به اهتمام و تصحیح غلامحسین یوسفی. چ ششم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کاشانی، عزالدین محمودبن علی (۱۳۶۷). مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه. به تصحیح علامه جلال الدین همایی. چ سوم. تهران: مؤسسه نشر هما.
- المنجد الایجدی (۱۳۶۳). تهران: مؤسسه الفقیه للطباعة و النشر.
- محسنی، منوچهر (۱۳۶۸). جامعه شناسی همومی. تهران: انتشارات طهوری.

مرزبان بن رستم (۱۳۶۳). مرزبان نامه، به تصحیح و تحشیه محمدبن عبدالوهاب قزوینی. ج دوم. تهران: کتابفروشی فروغی.

معین، محمد (۱۳۶۳). فرهنگ فارسی (دوره ۶جلدی). ج ششم. تهران: امیرکبیر.

ملک، حسن (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری های اجتماعی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

منشی، نصرالله (۱۶۲). کلیله و دمنه. تصحیح و توضیح مجتبی مینوی طهرانی. ج هفتم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

مندراس هانری، ژرژگوریچ (۱۳۵۴). مبانی جامعه شناسی. ترجمه باقر پرهام. تهران: امیرکبیر.

نابینی، علی محمد (۱۳۷۴). بررسی عوامل مؤثر بر منزلت اجتماعی نیروهای مسلح از دیدگاه صاحب نظران

نیروهای مسلح. پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت امور دفاعی دانشکده فرماندهی و ستاد. تهران.

نظام الملک (۱۳۵۷). سیاستنامه. با تصحیح مجدد و تعلیقات و مقدمه به کوشش مرتضی مدرسی. تهران: زوار.

وثوقی نیک خلق (۱۳۷۰). مبانی جامعه شناسی. تهران: انتشارات خردمند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی